

عنوان مقاله: نقش مردم نگاری در تحقیقات اجتماعی

نویسنده: محسن ثلاثی

منبع: جامعه شناسی ایران پاییز ۱۳۷۶. شماره ۲.

صص ۱۶۹-۱۷۹

- مردم‌نگاری عبارت از بررسی توصیفی و میدانی اجتماع خاص و معمولاً کوچک می‌باشد. در این نوع بررسی که **ویژه انسان‌شناسی فرهنگی** است. محدودیت موضوعی وجود نداشته و مردم‌نگار محقق، همه ابعاد و ویژگی‌های جامعه مورد بررسی‌اش را توصیف می‌کند، بی‌آن‌که از پیش یک چهارچوب مشخص نظری یا فرضیه را راهنمای کارش قرار دهد.

محدودیت
موضوعی

• نظریه یا فرضیه ، ضمن کار در میدان و پیشرفت تحقیق ممکن است پدیدار شود و یا مدارک و شواهد به دست آمده مبنای نوعی فرضیه یا نظریه گردند و یا اصلاً ممکن است به هیچ نوع فرضیه یا نظریه عامی منجر نشود، اما با این همه به عنوان یک سند یا مدرک معتبر در تحقیق های اجتماعی، همچنان ارزش داشته باشد. البته یک مردم نگار پیش از گام نهادن به میدان تحقیق، با نظریه های انسان شناسی و جامعه شناسی آشنایی لازم را دارد و اگر چه بدون هر گونه زمینه ذهنی و نظری (یا نوعی فرا نظریه) کار نمی کند، اما پیش از گام نهادن به این میدان و یا ضمن کار، فرضیه مشخصی را راهنمای کار خود قرار نمی دهد.

- این نوع تحقیق را برای نخستین بار انسان شناسانی چون بواس و مالینوفسکی بدعت گذاشته که علاقه شان بیشتر متوجه جوامع کوچک و ابتدایی بود.

- مهم ترین ابزارهای تحقیق مردم نگاری، مشاهده همراه با مشارکت (Participant Observation) و مصاحبه باز و برون ساختار است که برای بررسی جوامع کوچک و کم جمعیت ساخته و پرداخته شده و برای این کار مناسب دارند. بدیهی است که یک جامعه بزرگ و گسترده چند میلیونی را نمی توان مورد مشاهده مشارکت آمیز قرار داد و با نمونه های گوناگونی از اعضای آن، مصاحبه باز به عمل آورد با توجه به آن که مردم نگاران معمولاً با نمونه گیری میانه خوشی ندارند.

• مردم نگاری نوعی مشاهده نسبتاً علمی و - توصیف این گونه مشاهدات است و از آن جا که مشاهدات مردم نگاری با انسان ها سر و کار دارد، جز با مشارکت در زندگی آنها امکان پذیر نیست، چرا که انسان ها برخلاف موجودات و پدیده های غیر انسانی از ذهن و شخصیت و روح برخوردارند و دخالت هر غریبه ای را در زندگی شان، حتی به منظور تحقیق علمی به آسانی نمی پذیرند و رخنه در جوامع انسانی مستلزم آشنایی با مردم این جوامع و جلب اعتماد آن ها است. درست است که مردم نگاری را انسان شناسان باب کرده اند که می خواستند جوامع کوچک ابتدایی را بررسی کنند، اما از همین روش تحقیق برای بررسی اجتماع های کوچکتر در بطن جوامع بزرگتر می توان استفاده کرد، همان کاری که انسان شناسان و بومشناسان شهری انجام داده اند و می دهند.

ذهن و شخصیت و روح

- جوامع بزرگ و پیشرفته بر خلاف اجتماع های کوچک و سادهف جوامعی ناهمگون هستند و حتی در دل پیشرفته ترین جوامع صنعتی نیز اجتماع های کوچکتری وجود دارد که با فرهنگ مسلط جامعه بزرگتر تفاوت دارند و همچنین بیشتر کنش های متقابل اجتماعی شان را در چارچوب خرده فرهنگ های خاص خودشان برقرار می کنند.

**کنش های متقابل
اجتماعی شان**

- اصولاً بیشتر کنش‌های متقابل معنی‌دار و مهم انسان‌ها را در چارچوب خرده‌گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها انجام گرفته و انسان‌ها معمولاً با افراد نزدیک و آشنای خود حشر و نشر دارند و با گروه‌های بزرگتر، دورتر و گسترده‌تر، کمتر ارتباط برقرار می‌کنند. از فنون مردم‌نگاری که برای بررسی اجتماع‌های کوچک ساخته و پرداخته شده، می‌توان به عنوان یک ابزار مفید و کارآمد در بررسی اجتماعات کوچک درون شهری یا درون ملی استفاده کرد.

**خرده‌گروه‌ها و خرده
فرهنگ‌ها**

- اما مهم ترین روش تحقیق در جامعه شناسی، بررسی اجتماعی یا (Social Survey) است که بیشتر برای بررسی جوامع بزرگ و گسترده ساخته و پرداخته شده . مهم ترین ابزارهای این نوع بررسی، علاوه بر مطالعات تاریخی و تطبیقی، پرسشنامه و فرم های مصاحبه بسته است که با این ابزارها می توان یک جامعه بزرگ و چند میلیونی را از طریق نمونه گیری مورد بررسی قرار داد. این نوع بررسی بر خلاف مردم نگاری که **جنبه کیفی و توصیفی** دارد، کمی و آماری و مقداری است.

- در هر نوع بررسی اجتماعی آماری، معمولاً نوعی فرضیه عام و با دامنه گسترده و الهام گرفته از یکی از نظریه های جا افتاده جامعه شناختی، از پیش در نظر گرفته می شود و سپس با فنون آماری و جمع اوری داده های کمی، در صدد اثبات یا رد و یا تعدیل آن فرضیه بر می آیند، برای مثال فرضیه «میان فقر و بزهکاری رابطه علی وجود دارد» سطح انتزاعی در این نوع بررسی ها بالا است و متغیرهای اجتماعی در یک سطح عام و انتزاعی و بدون توجه به سطح فردی مورد بررسی قرار گرفته است تا روابط علی میان این متغیرها کشف گردد.

- در بررسی مبتنی بر یک فرضیه یا نظریه خاص، این خطر وجود دارد که محقق پرسش هایش را به گونه ای تنظیم کند که داده های موید نظریه با فرضیه اش را از نظر افراد مورد بررسی، بیرون کشد. ولی داده ها و اطلاعات مغایر با نظریه اش را ندیده گیرد. از سوی دیگر، در پرسشنامه های تحقیقی معمولاً تنها آن پرسش هایی مطرح می شوند که با صحت و سقم فرضیه یا نظریه مبنای تحقیق ارتباط داشته باشند و پرسش های مهم دیگری که در زندگی افراد مورد بررسی اهمیت دارند و خود پاسخ گویان برای آنها اهمیت بیشتری قایل هستند. غالباً در این پرسشنامه ها گنجانده نمی شوند.

صحت و سقم فرضیه

- جمله بندی سوالات يك پرسشنامه نیز ممکن است بر مبنای مفاهیمی تنظیم شوند که برای افراد مفهوم نبوده و به جای انعکاس فرهنگ مردم مورد بررسی، فرهنگ شخص بررسی کننده و یا محقق را منعکس سازند. و در واقع به جای بیان واقعیت های اجتماعی و فرهنگی از سوی افراد، پاسخ دلخواسته محقق تحمیل شود. وانگهی، هیچ معلوم نیست که گفتار پاسخ گویان با کردارشان مطابقت داشته باشد.

واقعیت های اجتماعی و فرهنگی

- در واقع افراد، ممکن است بدون قصد گفتن دروغ یا اشتباه، پاسخ هایی بدهند که در زندگی واقعی و عملی شان به آنها عمل نمی کنند، زیرا گاهی تصور و برداشت افراد از رفتارشان، با واقعیت های رفتاری شان در زندگی متفاوت است.

- مساله بدگمانی و هراس از افشاگری و بی اعتمادی افراد مورد بررسی نسبت به مصاحبه گران که بدون هیچ گونه جلب اعتماد، پرسش هایی را به صورت بسته مطرح می سازند، مانع آن می شوند که پاسخ گویان، جواب های درست و حقیقی بدهند و ای بسا که تدافعی عمل کرده و جواب های تحریف شده یا اغفال کننده بدهند. این قضیه در مورد اجتماعات یا گروه های ضربه خورده و داغ دیده، بزهکار و یا منحرف بسیار مصداق دارد. برای مثال اگر خواسته باشیم تحقیقی در مورد بزهکاران، فرقه های مذهبی تحت نعقیب و یا گروه های ضد فرهنگ حاکم، انجام دهیم، آنها به سادگی دتسشان را برای محقق رو نمی کنند و می ترسند که مبادا اطلاعات به دست آمده بر علیه خودشان استفاده شود.

- از آن جا که بررسی های آماری معمولاً دامنه ای وسیع دارند و جمعیت گسترده ای را در بر می گیرند، از عمق و فراگیری کافی برخوردار نبود، و موضوع مورد بررسی را از همه جهات و ابعاد به ویژه از بعد فرهنگی و ارزشی و برداشتی، نمی توانند مورد بررسی و کنکاش قرار دهند. در بیشتر این نوع بررسی ها، همبستگی میان دو یا چند متغیر اجتماعی بررسی می شود و ابعاد دیگر اجتماعی که این متغیرها در ارتباط با آنها معنی دار می شوند و نیز به جریان عادی و جاری زندگی اجتماعی که بستر عملکرد این متغیرها است، چندان توجهی نمی شود.

**همبستگی میان دو یا چند متغیر
اجتماعی**

- داده های کمی یا مقداری که از طریق بررسی های اجتماعی، آماری بدست می آیند و علت ها بر اساس آنها مشخص می گردند، نمی توانند کیفیت ذهنی، معنایی و برداشتی زندگی اجتماعی را به خوبی منعکس سازند. البته کاستی های بررسی اجتماعی آماری را می توان با کاربرد روش های خاص مردم نگاری که همان مشاهده مشارکت آمیز و مصاحبه باز است، تا اندازه زیادی برطرف نمود.

**مشاهده مشارکت آمیز و
مصاحبه باز**

- زندگی هر چند کوتاه مدت در میان مردم مورد بررسی، باعث جلب اعتماد و رفع بدگمانی های افراد شده و شخص محقق را با جو و زمینه فرهنگی و اجتماعی جامعه یا اجتماع مورد بررسی آشنا می سازد، آشنایی بسی با زبان و لهجه مردم در تنظیم جمله بندی های قابل فهم در پرسشنامه هاف کمک می کند.

**جو و زمینه فرهنگی و
اجتماعی جامعه یا اجتماع**

- از طریق مشاهده رفتار عملی، دست کم برخی از افراد مورد بررسی، درجه انطباق جواب های افراد با واقعیت های رفتاری شان بازسنجی می شود و از طریق حشر و نشر با مردم مورد بررسی، مناسبترین و مهم ترین پرسشها تشخیص داده می شوند و سوالات از حالت انتزاعی خارج شده با واقعیت های زندگی مردم مورد بررسی انطباق می یابند و سرانجام این که مصاحبه باز و طبیعی و بدون ساختار به محقق اجازه می دهد تا برداشت های افراد را از موقعیت اجتماعی زندگی شان، پیدا کند.

مشاهده رفتار عملی

- پس با یک نتیجه گیری کلی می توان گفت که بررسی اجتماعی، آماری و یا هر گونه تحقیق اجتماعی در مورد جوامع معاصر، بدون استفاده از روش های تحقیق مردم نگاری، یک بررسی ناقص بوده و نمی تواند واقعیت های زندگی اجتماعی را آن چنان که جریان دارد، منعکس سازد. تنها از این طریق می توان اعتبار و سطح انعکاس واقعیت های اجتماعی را در این گونه بررسی ها، بالا برد.

**اعتبار و سطح انعکاس
واقعیت های اجتماعی**

• اگر داده ها و اطلاعات مبنای بررسی ها، تنها از طریق پرسشنامه ها و فرم های مصاحبه بسته به دست آیند، ممکن است واقعیت های تحریف شده یا اغفال کننده، مبنای بیان علت های اجتماعی قرار گیرند و هر گونه نتیجه گیری کمی از این داده ها، بالطبع هیچ گونه دانش درستی از وضعیت اجتماعی واقعی موضوعات مورد بررسی را به دست نمی دهند و در این صورت، حتی بهترین فنون یا مدل های تحلیلی، هیچ کمکی به افزایش اعتبار و سطح حقیقت گویی تحقیق اجتماعی نمی کند.

سطح حقیقت گویی تحقیق
اجتماعی

نقش مردم نگاری در مکاتب جامعه شناسی

- سال های متمادی بود که تحقیق جامعه‌شناختی از **تحقیق انسان شناختی و مردم نگاری** فاصله گرفته بود. در این دوره، جامعه شناسان بیشتر به مسائل جوامع گسترده و بزرگ صنعتی می پرداختند و با روش بررسی آماری، این مسائل را بررسی می کردند و از سوی دیگر، انسان شناسی نیز با ابزارهای تحقیق مردم نگاری، سرگرم بررسی فرهنگ جوامع ابتدایی ساده و کوچک بودند، در واقع هر رشته حساب خاصی را برای خود باز کرده و جدا از رشته های دیگر فعالیت می کرد.

- در فاصله میان دو جنگ جهانی تحولی در رشته جامعه‌شناسی رخ داد که نقطه عطفی را در بررسی‌های اجتماعی به دنبال آورده و باعث شد که جامعه‌شناسان نیز به تحقیق مردم‌نگاری، سرگرم بررسی فرهنگ جوامع ابتدایی ساده و کوچک بودند، در واقع هر رشته حساب خاصی را برای خود باز کرده و جدا از رشته‌های دیگر فعالیت می‌کرد.

**فرهنگ جوامع ابتدایی
ساده و کوچک**

- در فاصله میان دو جنگ جهانی تحولی در رشته جامعه‌شناسی رخ داد که نقطه عطفی را در بررسی‌های اجتماعی به دنبال آورد و باعث شد که جامعه‌شناسان نیز به تحقیق مردم‌نگاری روی آورند و در نتیجه جدایی و بیگانگی چندین مساله دو رشته جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی کم‌وبیش از میان برداشته شود.



رابرت ازرا پارک

• این نقطه عطف و تحول بزرگ و تعیین کننده با مکتب جامعه شناختی در دانشگاه شیکاگو به پیشگامی رابرت ازرا پارک پدید آمد. پارک که خود یک روزنامه نگار بود و سال ها با شغل روزنامه نگاری در شهرهای بزرگ جهان کار کرده بود، به طور طبیعی به این نتیجه رسید که تحقیق اجتماعی در کتابخانه یا محیط های بسته دانشگاهی، نمی تواند واقعیت های زندگی اجتماعی را به درستی منعکس کند. او برای آن که به تحقیق جامعه شناختی وجهه ای واقعی و عینی بخشد، تصمیم گرفت که از روش مردم نگاران که همان زندگی در محیط مورد بررسی، مشارکت در آن و مشاهده واقعیت های زندگی از نزدیک است، در تحقیق راجع به اجتماع های درون جامعه بزرگ شهری شیکاگو استفاده کند.

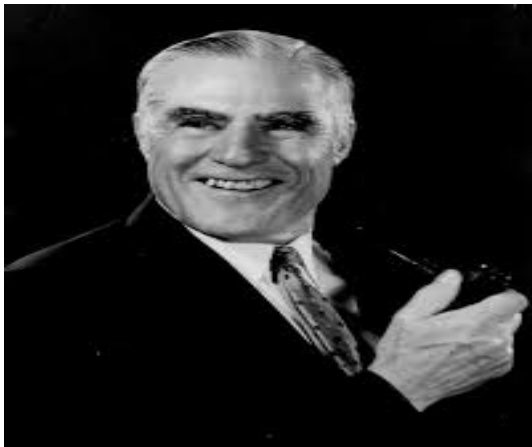
- شیکاگو در زمان پارک، روز به روز بزرگ و پرجمعیت تر می شد و به طبع با مسائل اجتماعی جوامع بزرگ و متغیر شهری، هر چه بیشتر رو به رو بود. جرم و جنایت، انحراف از عرف های اجتماعی، فقر و آلودگی ناشینی، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر و مسائل دیگری از همین دست روز به روز در شیکاگو افزایش می یافت، پارک که در دانشگاه شیکاگو موقعیت ممتازی را کسب کرده بود، دانشجویانش را به ویژه در سطح کارشناسی ارشد، تشویق می کرد تا از پشت میزهایشان بلند شوند و میان این گروه های شهری مساله دار، به ویژه منحرفان و مجرمان و محرومان بروند و از نزدیک به توصیف و تبیین مسائل اجتماعی آنها پردازند.

توصیف و تبیین مسائل اجتماعی

- بیشترین نقش پارک، سرپرستی پایان نامه های کارشناسی ارشد و تشویق آنها به بررسی مسایل شهری با روشهای مردم نگارانه بود. گروه های مجرم و محروم و مطرود، اجتماع های بسته خاص خودشان را در مناطق ویژه ای از شهر تشکیل داده و تنها راه ورود به زندگی آنها، رخنه به محیط های اجتماعی این گروه ها، از طریق مشاهده مشارکت آمیز و روش های دیگر بررسی مردم نگاری مانند مصاحبه باز و تنظیم سرگذشت یا تاریخ زندگی افراد تشکیل دهنده این اجتماعات بود

در واقع پارک بنیان گذار بوم شناسی شهری یا مردم نگاری شهری با کاربرد فن مشاهده مشارکت آمیز بود.

**بنیان گذار بوم شناسی شهری یا مردم
نگاری شهری**



هربرت بلومر

- شخصیت های برجسته دیگر این مکتب کولی و مید بودند که الهام بخش نظریه کنش متقابل نمادین (Symbolic Interactionism) شدند. این نظریه سرانجام به وسیله هربرت بلومر و اروین گافمن، بسط یافت و به عنوان یکی از نظریه های بزرگ و مهم جامعه شناختی درآمد. در واقع این نظریه محصول و دستاورد فکری و نظری مکتب شیکاگو به شمار می آید.

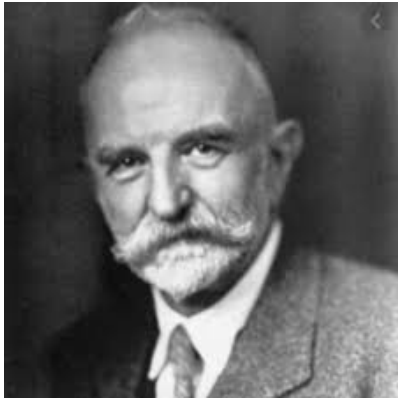
- تا پیش از پیدا شدن مکتب شیکاگو و نظریه کنش متقابل نمادین، نظریه و تحقیق جامعه‌شناختی **تحت چیرگی پوزیتیویسم و ساختارگرایی کارکردی** بود که بنیانش را «دورکیم» پایه‌گذاری کرد. دورکیم که در واقع بنیان‌گذار رشته جامعه‌شناسی بود و می‌خواست آن را به عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی تثبیت کند، از تحلیل روان‌شناختی و بررسی در سطح فردی به شدت پرهیز می‌کرد تا آن‌جا که ممکن است ساختارهای اجتماعی و کارکردهای آنها را بدون کمک تحلیل‌های روان‌شناختی مورد بررسی قرار دهد. به نظر او واقعیت اجتماعی، ماهیتی مستقل از افراد تشکیل‌دهنده اجتماع دارد و بیرون از افراد بر رفتار آنها تاثیر می‌گذارد و این رفتار را حتی بر خلاف خواست و اراده

ماهیتی مستقل

• آنها شکل و جهت می دهد. به عقیده دور کیم، جامعه شناختی با مجموعه ها، ساختارها و آگوهای اجتماعی، مانند طبقات، نهادها، تقسیم کار اجتماعی و الگوهای عام فرهنگی و کارکردی آنها، سر و کار دارد و موضوع بررسی اش همین ساختارها و الگوهایی است که خارج از زندگی افراد جامعه، بر آنها تسلط دارند. در نتیجه توجه به افراد و گرایش ها و برداشت های فردی آنها، کار جامعه شناختی نیست و این کار را باید به رشته روانشناسی واگذار کرد.

**گرایش ها و
برداشت های فردی**

- «مید» بر خلاف دور کیم تحلیل اجتماعی اش را از سطح فردی و درون ذهنی آغاز می کند و سعی دارد از تحلی ذهن فرد و خود او به آگاهی و واقعیت اجتماعی برسد. به نظر او ، انسان ها از طریق خود را به جای دیگران گذاشتن، موجود اجتماعی می شوند و هر چه که بزرگتر می شوند ارتباطات ذهنی گسترده تر و پیچیده تری با افراد جامعه برقرار می کنند تا ان جا که سرانجام به فهم دیگری تعمیم یابند. یعنی برداشت تعمیم یافته و وسیع فرد از روابط اجتماعی.



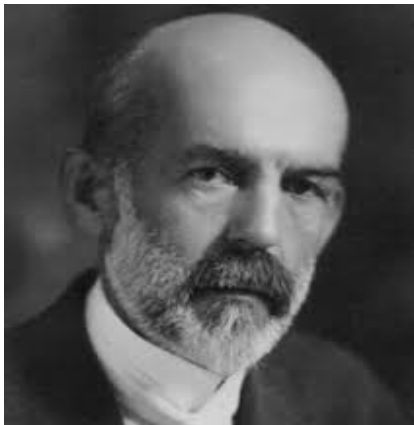
جرج هربرت مید

- مید، جامعه و روابط اجتماعی را در اذهان افراد می جوید و اجتماع و روابط اجتماعی از دیدگاه مید، یک موجودیت درون ذهنی است، نه آن که در بیرون از ذهن افراد جامعه وجود خارجی و مستقل و مجزا داشته و از بیرون بر رفتار آنها تسلط داشته باشد.

موجودیت درون
ذهنی

- رفتار اجتماعی از دیدگاه مید، یک رفتار آگاهانه است که در ذهن انسان از طریق روابط اجتماعی اش شکل می گیرد و این رفتار، یک رفتار خود آگاهانه و سنجیده است که در جریان اجتماعی شدن افراد به آنها آموخته می شود.

یک رفتار آگاهانه



چارلز کولی

- در واقع مید، یکی از بنیان گذاران تحلیل اجتماعی در سطح خرد و فردی بود، همان سطحی که مردم نگاران بهتر از دیگران می توانند آن را بررسی کنند.
- شخصیت دیگر این مکتب چارلز کولی است که اگر چه در دانشگاه شیکاگو. نبود ولی دیدگاهش در رشد مکتب شیکاگو و نظریه کنش متقابل نمادین نقش تعیین کننده ای داشت. کولی نیز نظریه اجتماعی اش را از سطح فردی آغاز می کند و مفهوم خود آینه سان او، این فکر و عقیده را بازتاب می کند.

- برابر با این مفهوم، شخصیت اجتماعی یک فرد که از او یک موجود اجتماعی می سازد، بازتابنده برداشت ها و قضاوت هایی است که دیگران از او می کنند. هر فردی با توجه به قضاوت های دیگران در مورد خودش از خود اجتماعی اش آگاهی می یابد و بر پایه همین آگاهی است که رفتار اجتماعی اش را تنظیم می کند.

خود اجتماعی

- کولی یکی از نخستین جامعه شناسانی است که بر واحدهای کوچک و خرد اجتماعی تاکید می کند و آن ها را به عنوان مهم ترین عوامل تشکیل دهنده اجتماع یا جامعه به رسمیت می شناسد. مفهوم گروه نخستین که یک گروه با تماس رو در رو می باشد، این برداشت او را از زندگی اجتماعی منعکس می سازد.

- در روش شناسی نیز کولی، مفهوم مردم نگارانه ای به نام **درون نگری همدلانه** (Sympathic introspection) را مطرح کرد که بنا بر آن یک محقق اجتماعی باید خودش را به جای کنشگران مورد بررسی بگذارد تا دریابد که آنها در موقعیت های مخالف اجتماعی با چه معانی و انگیزه هایی رفتار می کنند، همان کاری که بسیار مورد تاکید مردم نگاران معاصر است.

موقعیت های مخالف اجتماعی

- با تجزیه و تحلیل ها و نظریه های اجتماعی مید و کولی، واقعیت اجتماعی که تحت تاثیر «دورکیم» و نفوذش بر جامعه شناسان دیگر جنبه برون ذهنی، با دامنه گسترده و الزامی آوری پیدا کرده بود، وجهه ای درون ذهنی خرد و آگاهانه ای به خود گرفت.

جنبه برون ذهنی



اروین گافمن

• اروین گافمن با آن که در دانشگاه برکلی کار می کرد، اما نظریه نمایش اش و کارهای نظری دیگرش او را در شمار یکی از نظریه پردازان مکتب شیکاگو و کنش متقابل نمادین درآورده است. گافمن بسیار تحت تاثیر انسان شناسان اجتماعی بود و با الهام از آنها و به ویژه الوید وارنر انسان شناس و تماس های مکرر با او، نظریه نمایشی را بدعت گذاشت. او یکی از نخستین کسانی بود که پای تحقیق اجتماعی را به زندگی روزانه و جریان عادی و طبیعی آن کشاند. بسیاری از صاحب نظران او را و نه گارفینکل را- پدر روش شناسی مردم نگارانه (اتنومتدولوژی) می دانند و بسیاری از روش شناسان مردم نگار مانند شکاف در دانشگاه برکلی و تحت نظر او آموزش دیده بودند.

- نظریه نمایشی گافمن (Dramaturgial Theory) در واقع شرح استعاری کنش متقابل انسان ها در صحنه روابط اجتماعی است. به نظر او انسان ها مانند بازیگران تئاتر در صحنه روابط اجتماعی چنان نقش بازی می کنند که مناسبترین تاثیر را روی مخاطبان یا تماشاگرانشان بگذارند. هر فردی در جامعه یا در حال ایفای نقش اجتماعی خود است و بیا تماشاگر نقش های دیگران می باشد که در هر دو حالت به صورت فعال و تاثیرگذار عمل می کند و در شکل گیری روابط اجتماعی مشارکت آگاهانه دارد.

**ایفای نقش
اجتماعی خود**

- طبیعی است که تنها راه درک این نمایش یا کنش متقابل اجتماعی، مشاهده رفتارهای بازیگران و تماشاگران در صحنه اجرای نمایش یا محیط روابط اجتماعی است و بدیهی است که مردم نگاری و روش مشاهده مشارکت آمیز مناسب ترین وسیله برای انعکاس این صحنه های اجرای روابط متقابل اجتماعی است. به احتمال زیاد، گافمن با الهام گرفتن از مکتب توصیفی و مردم نگارانه شیکاگو و تحت تاثیر تماس هایی که با انسان شناسان اجتماعی داشت، توانست نظریه نمایشی اش را ابداع کند.

**اجرای نمایش یا محیط
روابط اجتماعی**

- یکی دیگر از چهره های برجسته و تعیین کننده مکتب شیکاگو و بدعتگذار اصطلاح نظریه کنش متقابل نمادین، هربرت بلومر است که نظریه اش را در واکنش و مخالفت با ساختارگرایی کارکردی و انتزاع های ساختاری آن ساخته و پرداخته کرد. به نظر بلومر، جوهر روابط اجتماعی را باید در کنش متقابل انسان ها در صحنه روابط اجتماعی پیدا کرد. به عقیده او ف جامعه بشری جز مجموعه کنش های جاری کنشگران در صحنه های اجتماعی چیز دیگری نیست، زیرا افراد جامعه از طریق هماهنگ ساختن کنش های فعالانه و آگاهانه خود، زندگی جمعی با جامعه را می سازند.

- به عقیده گافمن، قلمرو بررسی های جامعه شناسان نیز باید همین کنش های اجتماعی افراد جامعه باشد. او جامعه شناسی های کلان و گسترده (پهن دامنه) را به عنوان نظریه پردازی های انتزاعی و بی محتوا رد می کند و به جامعه شناسی خرد و تنگ دامنه، روی می آورد.

• گافمن در روش شناسی به علم گرایی افراطی جامعه شناسان پوزیتیویست و ساختارگرا، اعتراض می کند و معتقد است که تاکید بر همبستگی ساده انگارانه متغیرهای کمی اجتماعی باعث می شود که تفسیرهایی که انسان ها از موقعیت های اجتماعی خودشان می کنند و بر پایه آنها رفتار اجتماعی از خود نشان می دهند، نادیده انگاشته شوند و بلومر استفاده از طرح های نظری انتزاعی با فرضیه ها و نظریه های از پیش تعیین شده را محل درک جریان زنده و آگاهانه کنش های متقابل می داند و به نظر او، این نوع بررسی به جای ثبت و فهم واقعیت های تجربی زندگی روزانه در صحنه های روابط اجتماعی، نظمی انتزاعی را بر واقعیت های اجتماعی تحمیل می کند.

همبستگی ساده انگارانه متغیرهای کمی اجتماعی

- بلومرنیز مانند کولی بر کاربرد روش درون نگری همدلانه در بررسی های اجتماعی تاکید می گذارد و معتقد اس که محققان اجتماعی باید بتوانند خودشان را در موقعیت های اجتماعی کنشگران قرار دهند تا به درک این موقعیت ها از دیدگاه آنها برسند.
- برای رسیدن به چنین شناختی از روابط و کنش هی متقابل اجتماعی راهی جز مشاهده مشارکت آمیز یا مردم نگارانه وجود ندارد، همان راهی که پارک و گافمن نیز با الهام از روش های مردم نگاری در پیش گرفته بودند.

**مشاهده مشارکت آمیز یا
مردم نگارانه**

- روش‌شناسی مردم‌نگارانه یا اتنومتدولوژی را باید به عنوان یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی مبتنی بر روش‌های مردم‌نگاری در نظر آورد. بسیاری از نظریه‌پردازان و پژوهشگران این نظریه مانند ساکس و شگلان در دانشگاه برکلی با گافمن کار کرده و تحت تاثیر نفوذ مکتب شیکاگو و نظریه‌کنش متقابل نمادین به نظریه‌های ایشان، شکل بخشیدند. نظریه اتنومتدولوژی در مخالفت آشکار با جریان اصلی جامعه‌شناسی که خصیلتی پوزیتیویستی و ساختارگرا داشت، مطرح شد.

- گارفینکل که بنیانگذار این نظریه است، نیز مانند بلومر معتقد است که جامعه، همانا دستاورد عملی و پیوسته جاری افراد است و نه چیز دیگر. روش شناسان مردم نگار نیز مانند جامعه شناسان مکتب شیکاگو به ویژه پارک، معتقد بودند که باید به میان مردم کوچه و بازار رفت و کنش های متقابل اجتماعی را در صحنه وقوع، از نزدیک مشاهده کرد و همچنین قواعد حاکم بر این کنش ها را پیدا کرد.

● به نظر جامعه شناسان وابسته به این مکتب، مهم ترین صحنه روابط اجتماعی در روابط خرد و تنگ دامنه پدیدار می شوند و در همین صحنه است که بررسی اجتماعی معنا و محتوای واقعی و عینی خود را به دست می آورد. آنها معتقدند که ساختارها و الگوهای خرد و کلان اجتماعی در صحنه روابط متقابل رو در رو خود را نشان می دهند. و قواعد و نظم های اجتماعی از دل همین صحنه های پیش پا افتاده و روزانه زندگی اجتماعی در سطح خرد می توان پیدا کرد. آنها می گویند که جامعه شناسان نباید به بهانه ساخت یک علم اجتماعی از واقعیت جهان اجتماعی فاصله گیرند و به جای شناخت واقعیت های زنده و جاری زندگی روزانه و روابط اجتماعی روزمره، نظریه ها و فرضیه های ذهنی را بر واقعیت های اجتماعی تحمیل کند.

ساختارها و الگوهای خرد و
کلان اجتماعی

- روان شناسان مردم نگار با هر گونه تحلیل آماری و بررسی آمار روابط اجتماعی مخالفت می ورزند و معتقدند که آمارها معمولا ظرافت و پیچیدگی جهان واقعی را به درستی منعکس نمی کنند. نگرستن به پدیده های جهان اجتماعی به همان صورت طبیعی و جاری و روزمره یکی از ویژگی های روش شناختی این نظریه است.

**نگرستن به پدیده های
جهان اجتماعی**

- مردم نگاری نیز با همین هدف ساخته و پرداخته شده است که واقعیت های جهان اجتماعی را به همان صورتی که در جریان و صحنه روابط اجتماعی تجلی می یابند به دقت توصیف و منعکس سازد. مردم نگاری به توصیف جزئی و روزمره زندگی اجتماعی تاکید دارد و روش شناسی مردم نگارانه نیز همین تاکید را نظر دارد. ساده ترین و پیش پا افتاده ترین فعالیت های زندگی روزانه مانند صحبت کردن تلفنی و راه رفتن ادم ها در خیابان، موضوع بررسی روش شناسان مردم نگار قرار می گیرد و آنها نیز مانند مردم نگاران از ضبط صوت، فیلمبرداری و عکاسی برای ثبت دقیق و عینی واقعیت های اجتماعی و تحلیل آن در مرحله بعد استفاده می کنند.

**توصیف جزئی و روزمره
زندگی اجتماعی**

- روش شناسان مردم نگار می گویند که جامعه شناسان سنتی به جای آن که خود اجتماع و زندگی را موضوع بررسی شان سازند، از آن به عنوان زمینه و منبع موضوع های مورد بررسی استفاده می کنند. این دسته از جامعه شناسان متغیرهای اجتماعی، مانند طبقه یا قشر، حکومت، آموزش، روابط نژادی، فقر و محرومیت و جرم و جنایت و امثال آن را در زمینه های گوناگون اجتماعی بررسی می کنند ولی به خود صحنه زنده و جاری زندگی اجتماعی چندان توجهی ندارند

**زمینه و منبع موضوع های
مورد بررسی**

- اما به عقیده روش شناسان مردم نگار، اجتماع یا جامعه یک مجموعه همبسته، زنده و تجزیه ناپذیر است که شناخت آن جز از طریق بررسی کنش های متقابل اجتماعی در پهنه های علمی زندگی اجتماعی امکان ناپذیر است.
- در پایان باید گفت: چنین به نظر می رسد که بررسی جامعه شناختی در سطح خرد و فهم و درک معانی و تعاریف و برداشت هایی که کنشگران اجتماعی از موقعیت خود دارند و نیز انعکاس واقعی رفتارهای انسان ها در صحنه های روابط و کنش های متقابل اجتماعی، بدون استفاده از روش های مردم نگاری امکان ناپذیر می باشد.

**صحنه های روابط و کنش
های متقابل اجتماعی**

یادداشت این مقاله با الهام کلی از منابع زیر نوشته شده است.

۱- زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، تالیف لویس کوزر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۹.

۲- نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، جورج ریتزر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۴.

3- Anthropological Research, pertti J. Pelto, Harper. Row, London 1970.

4- Research Methods, Patrick Mcneill, Routledge, London, 1994.